

نگاهی به کارکردهای رنگ در چند نمایشگاه تجسمی اخیر تهران

# میدان رنگ و بی‌رنگی در نقاشی

## شش ایرانی در فهرست ۵۰۰ هنرمند برتر ۲۰۱۸

شیشه‌گران، بنی صدر، مشیری، نشاط درخشانی و وای‌زی. کامی در فهرست ۵۰۰ هنرمند برتر سال ۲۰۱۸ جهان قرار گرفتند. به گزارش هنرآنلاین، «آرت پرایس» -مهم‌ترین مرجع مارکت هنر جهان- در کنار «فیک» -مؤسسه نمایشگاه‌های بین‌المللی پاریس- در گزارش تازه‌شان که معیاری مهم برای تحلیل و بررسی وضعیت هنر معاصر جهان از دو بعد اقتصادی و هنری است اسامی ۵۰۰ هنرمند برتر معاصر جهان را در سال ۲۰۱۸ منتشر کردند. در فهرست ۵۰۰ هنرمند برتر سال ۲۰۱۸، شش هنرمند ایرانی شامل علی بنی صدر در رتبه ۱۱۴، فرهاد مشیری در رتبه ۱۳۰، شیرین نشاط در رتبه ۲۵۹، کوروش شیشه‌گران در رتبه ۲۸۹، رضا درخشانی در رتبه ۳۸۸ و وای‌زی، کامی (کامران یوسف‌زاده) در رتبه ۳۹۰ قرار دارند.

«آرت پرایس» به‌عنوان منتشرکننده این فهرست، نقشی راهبردی در ارائه بانک اطلاعات هنرمندان دنیا دارد. چیزی که اهمیت این فهرست را نشان می‌دهد این است که این ۵۰۰ هنرمند از بین بیش از ۵۰۰ هزار هنرمند فعال در سراسر جهان انتخاب شده‌اند. این مؤسسه اطلاعات موردنیاز برای این رتبه‌بندی را از طریق مؤسسات اصلی حراج، گالری‌های دنیا و مجموعه‌داران تهیه می‌کند.

بر اساس این گزارش، علی بنی صدر در بین هنرمندان معاصر ایرانی هنرمندی است که آثارش بیشترین فروش را در حراج‌ها داشته است. بیشترین قیمتی که برای فروش اثری از او چکش خورده، حدود ۴۶۰ هزار دلار بوده. مجموع ۱۶ اثر فروخته از او ارزشی برابر با یک میلیون و هفتصد و پنجاه هزار دلار داشته است. در رتبه بعدی فرهاد مشیری قرار دارد که مجموعاً ۱۸ اثر از او به مبلغ یک میلیون و چهارصد و پنجاه هزار دلار فروخته شده و گران‌بهارترین اثرش ۳۲۰ هزار دلار به فروش رفته است. سومین هنرمند ایرانی شیرین نشاط است که مجموعاً ۲۲ اثر از او به مبلغ ۵۵۹ هزار دلار به فروش رفته. بالاترین رقم فروش رفته برای یک اثر او ۱۱۷ هزار دلار بوده است.



چهارمین هنرمند کوروش شیشه‌گران است که ۵ اثر او به قیمت ۵۱۰ هزار دلار فروخته شده و گران‌ترین اثرش ۱۵۰ هزار دلار بوده است. در جایگاه بعدی، رضا درخشانی قرار دارد که ۴ اثر از او در حراج‌ها فروخته شده و مجموع قیمت آثارش ۳۳۵ هزار دلار بوده است. بالاترین قیمت چکش خورده برای تابلوهای او ۱۴۹ هزار دلار بوده است. رتبه ششم هم در اختیار وای‌زی کامی است که دو اثر او به قیمت ۳۲۸ هزار دلار در حراج‌ها خریداری شده و ۳۲۰ هزار دلار، گران‌بهارترین اثر فروخته شده او است.

شاخص قیمت آثار این هنرمندان از حراج‌های لندن، دوی، پاریس و تهران به دست آمده است. حراج‌های خارج از این منطقه معمولاً در لندن برگزار می‌شود که گاهی اوقات رکورد فروش‌های جدیدی در آن به جا گذاشته می‌شود. حراج‌های دوی و لندن معمولاً محل خوبی برای عرضه آثار گران‌بها و فروش آثار با قیمت‌های نجومی است. زمانی نیویورک نیز فرصت خوبی به شمار می‌آید اما از سال ۲۰۱۰ نقش چندانی در پررنگی از این حیث ایفا نمی‌کند. برخی هنرمندان ایرانی که در حراج‌های دوی حضور مستمری داشته‌اند، شاخص قیمت فروش بیشتری را از آن خود کرده‌اند. نکته قابل توجه اینکه حراج‌هایی که در دوی برگزار می‌شوند، تلاش خود را می‌کنند تا بتوانند فرصت و محلی برای رشد هنرمندان خاورمیانه و حاشیه خلیج فارس باشند. حراج تهران نیز هم اینک یکی از حراج‌های قدرتمند منطقه خاورمیانه به حساب می‌آید که هر چند بین‌المللی نیست و تنها روی هنرمندان ایرانی تمرکز دارد؛ بسا این حراج فروش‌های مورد استناد مؤسسات و مراجمی چون آرت پرایس و فیک قرار می‌گیرد.

بنا به گزارش آرت پرایس هم اکنون مارکت هنر معاصر ۱۲ درصد از گردش مالی مارکت هنر جهان را در اختیار دارد. این در حالی است که این درصد در سال ۲۰۰۰ تنها ۲/۸ درصد بود.

### بهر روز فانیان

حداصل میان رنگین بودن و بی‌رنگی در اثر هنری کجاست و رنگ به‌عنوان عنصری محوری در هنرهای تجسمی چگونه ماهیتی دیگرگون از آنچه تا کنون می‌شناسیم یافته است؟ شاید برای مخاطب عمومی آثار تجسمی کنار رفتن رنگ‌مایه به عنوان یکی از اصلی‌ترین درجه‌های دریافت‌ما از تصویر، غیر قابل تصور به نظر بیاید. پرسش‌هایی که در این ارتباط به سادگی می‌توان به میان کشید، اما لزوماً پاسخ‌هایی به همین سادگی را به دنبال نخواهد داشت. تصور نقاشی بدون رنگ برای مخاطب عام هنرهای تصویری تاچه اندازه قابل درک و دریافت می‌تواند باشد؟ چگونه یک هنرمند تجسمی می‌تواند به خلق تصویری بیندیشد، بی‌آنکه رنگین بودن رابه تمامی یا تاندازه‌ای کنار بگذارد؟ پاسخ به چنین پرسش‌هایی

ممکن نیست مگر از طریق بازخوانی مصداق‌هایی که نهاد آثار هنرمندان معاصر قابل شناسایی است. اما پیش از آنکه مصداق‌هایی از چنین ویژگی‌هایی را از خلال نمایشگاه‌های هنری این روزها در گالری‌های هنری تهران دنبال کنیم، طرح پیش زمینه‌ای در مرور تلقی‌های رایج در ارتباط با مفهوم رنگ در هنرهای بصری می‌تواند روشنگر باشد.

تا پیش از ظهور رسانه‌های نوین هنرهای بصری یعنی تادوران اوج هنر انتزاعی رنگ به‌عنوان عنصری یگانه و بی‌بدیل میدانی بی‌منافع را مقابل خود می‌دید و این خصلت تا ظهور و بروز یکی از آخرین نخله‌های هنری قرن بیستم یعنی «نقاشی میدان رنگ» کماکان یکی از ویژگی‌های عمده هنر تجسمی را شکل می‌داد. اما هنر معاصر عنصر ماهیت رنگ را همچون همه عناصر دیگر هنرهای بصری امری وابسته به ایده و کانسپت اثر هنری معرفی

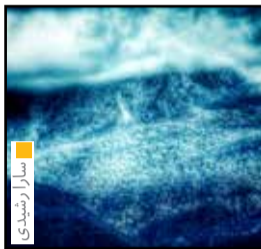
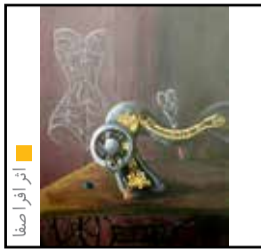
می‌کند. برای روشن تر شدن موضوع ماهیت رنگی آثار تجسمی معاصر را در مرور چند نمایشگاه در گالری‌های تهران مرور می‌کنیم؛ با این توضیح که جستجوی مصداق‌ها در این آثار تنها از دیدگاه ماهیت رنگ در آثار معاصر دنبال شده و از دیگر جنبه‌های نمایشگاه‌های مورد اشاره برای تمرکز بیشتر بر موضوع بحث چشم‌پوشی شده است.

### فضای بینابینی رنگ و بی‌رنگی

عکس‌های کبارنگ علایقی با عنوان «وضعیت چهارم» که در گالری پروژه‌های آران به نمایش درآمده ماهیت رنگ را در کلیت خود به خاکستری‌ها و سیاه و سفید تقلیل داده است. اگر چه قالب سیاه و سفید در عکاسی نمودی پر تعداد را به خود اختصاص می‌دهد، اما یا تمام عکس‌های سیاه و سفید عکاسان با رویکردی واحد به اتخاذ چنین

شمایلی در می‌آیند؟ به نظر می‌رسد هنرمندان این مجموعه محدود رنگی سیاه و سفید را در خدمت‌های متمرکز قرار می‌دهد که به خلق جهان مورد نظر او در عکس‌های یاری می‌رسانند. برای نمونه عکسی از پیرمرد پرنده فروش که پشت سر او نقاشی دیواری از منظره‌ای کشیده شده در این تصویر سیاه و سفید به ماهیتی یکدست و هماهنگ میان جهان واقعیت و تصویر نقاشی شده منجر شده است. یادداشتی که درباره عکس‌های او در این نمایشگاه نوشته شده نیز به تلاش هنرمند برای ساختن جهان ویژه‌ای اشاره دارد: «وضعیت چهارم درباره «گیلانی» متفاوت است. درباره مردمی که در انزو زندگی می‌کنند. در ارتفاعات کوهستانی و در کنار جنگل‌های باستانی. آن‌ها با گوشه نشینی برای خود سرنوشتی را رقم زده‌اند که سخت است و با مهاجرت جوانان، اغلب تنها و خلوت است.»

**کارکرد ذهنی و روانی رنگ**  
امیر مخبر در مجموعه‌ای از نقاشی‌هایش که در گالری «آ» به نمایش درآورده، اما شکلی دیگر از هویت رنگی را دنبال می‌کند. آثار او در مرز رنگ و بی‌رنگی و البته در هارمونی‌های متفاوتی ظاهر



می‌شوند که بیش از هر چیز در مسیر نوعی فضاسازی‌های ذهنی در حرکت است. رنگ‌های نقاشی‌های او، دست‌کم در آثار ارائه شده در این مجموعه در نسبت‌های مختلف بر کارکردهای روانی این عنصر اشاره دارد که در عین حال نشان‌دهنده موقعیت‌ها و شرایط حاکم بر جهانی است که هنرمند سعی در به تصویر کشیدنش دارد. جالب توجه است که همین خصلت با اشتراکات بسیاری در کارکرد ذهنی و روانی رنگ در مجموعه آثاری از امیررضا عرب خزانلی که در گالری ویستا به نمایش درآمده بروز پیدا کرده است. هنرمند در این مجموعه هم بیشترین کارکرد عنصر رنگ را که عموماً از خاکستری‌های رنگی خنثی تشکیل می‌شود، در خدمت القای فضایی ذهنی مورد توجه قرار داده که موقعیت‌ها و شرایطی خاص در عین حال سمبلیک را نشانه می‌روند.

تا پیش از ظهور رسانه‌های نوین هنرهای بصری یگانه و بی‌بدیل میدانی بی‌منافع را مقابل خود می‌دید و این خصلت تا ظهور و بروز یکی از آخرین نخله‌های هنری قرن بیستم یعنی «نقاشی میدان رنگ» یکی از ویژگی‌های عمده هنر تجسمی را شکل می‌داد.

تا پیش از ظهور رسانه‌های نوین هنرهای بصری یگانه و بی‌بدیل میدانی بی‌منافع را مقابل خود می‌دید و این خصلت تا ظهور و بروز یکی از آخرین نخله‌های هنری قرن بیستم یعنی «نقاشی میدان رنگ» کماکان یکی از ویژگی‌های عمده هنر تجسمی را شکل می‌داد. اما هنر معاصر عنصر ماهیت رنگ را همچون همه عناصر دیگر هنرهای بصری امری وابسته به ایده و کانسپت اثر هنری معرفی

تا پیش از ظهور رسانه‌های نوین هنرهای بصری یگانه و بی‌بدیل میدانی بی‌منافع را مقابل خود می‌دید و این خصلت تا ظهور و بروز یکی از آخرین نخله‌های هنری قرن بیستم یعنی «نقاشی میدان رنگ» کماکان یکی از ویژگی‌های عمده هنر تجسمی را شکل می‌داد. اما هنر معاصر عنصر ماهیت رنگ را همچون همه عناصر دیگر هنرهای بصری امری وابسته به ایده و کانسپت اثر هنری معرفی

تا پیش از ظهور رسانه‌های نوین هنرهای بصری یگانه و بی‌بدیل میدانی بی‌منافع را مقابل خود می‌دید و این خصلت تا ظهور یکی از آخرین نخله‌های هنری قرن بیستم یعنی «نقاشی میدان رنگ» یکی از ویژگی‌های عمده هنر تجسمی را شکل می‌داد.

را در خود جای می‌دهد. رنگ‌های صرفه جویانه نقاشی‌های او که عموماً در هارمونی‌هایی مشابه ظاهر می‌شوند، روایت‌هایی را دنبال می‌کند که فضایی خیال‌گون می‌سازند.

مجموعه‌ای از عکس‌های سارا رشیدی نیز که در گالری سایه به نمایش درآمده، تک‌رنگ‌ها را مینای ثبت و ضبط چشم‌اندازهایی می‌سازد که اگر چه در نگاه اول تصاویری بر گرفته از واقعیت به نظر می‌آیند، اما به واسطه اتخاذ همین هویت رنگی ویژگی‌های بصری افزونی را دنبال می‌کند و تاندان‌های به‌نمایندگی عواطف و احساسات هنرمند در رودررویی با این چشم‌اندازها می‌انجامد. یادداشتی که هنرمند در ارتباط با این مجموعه نگاشته تاندان‌های این عواطف درونی را بازتاب می‌دهد: «مجموعه پیش روی، بر آینه بی‌تابی‌هایم است که در دل طبیعت و به پنهان سفر به نقطه‌ای ناشناخته آرام گرفتند. هر عکس به مثابه سایه‌ای است که از خود می‌کارم تا شاید فردایی، روایت خویشتن آن روز، توجیه بخشی منقل و مسکوت از هویت امروزم باشد. در آستانه ثبت هر عکس، جبر و اختیار در حوزه تولدی در جدال با یکدیگر در هم می‌آمیزد و من در صدمم تا به مدد پژواک و پر تو محیط، پیدا و پنهان ذهن خود را عینیت‌بخشم.»



توانیم تصویری از رنج همه مادر بزرگ‌های جهان را ببریم. مادر بزرگ‌هایی که از حضور تا مرگشان فاصله اندکی وجود دارد و البته فقدان آن‌ها را هیچ امر دیگری نمی‌تواند بر کند. او این رنج را به شکلی مختصر و فشرده بیان کرده است. در ساده‌ترین وجه آن، اما دقیق و همواره با وسواسی که در انتخاب و چینش نمایان است، نمایشگاه عکس‌های حمیده گل محمدی به نوعی عمومی کردن و تعمیم دادن یک رنج خصوصی است.

تصاویر رخ داده است. از منظر پرده‌ها مینیمالیستی هنرمند در ارائه کل نمایشگاه و هر فریم عکس متناسب با خواسته و دلیل عکاس از برپایی این نمایشگاه بوده است. او، دلیلی برای روایت زندگی این پیرزن (که به نظر مادر بزرگ هنرمند است) داشته، دلیلی کاملاً شخصی اما این دلیل شخصی را در یک چینش صحیح به روایتی عمومی و قابل عرضه برای دیگران تبدیل کرده است. ما در فریم‌هایی که ساده، مستقیم و بی‌پیرایه به وضعیت مادر بزرگ می‌پردازد می

## تصویر غیر توریستی ماسوله به روایت حمید جلی

نگاهی به دو مجموعه عکس مستند در گالری‌های تهران

### علیرضا بخشی استوار

نمایشگاه عکس‌های حمید جلی بازیگر و هنرمند سرشناس عرصه سینما این روزها با عنوان «ماسوله ۶۷» در گالری آرتین برپاست. حمید جلی در بیانیه این نمایشگاه به این نکته اشاره کرده است که این عکس‌ها هم‌زمان با فیلم برداری فیلم «ای ایران» ساخته «ناصر تقوایی» به ثبت رسیده است و حاصل چند ماه زندگی با مردم ماسوله است. از همین نقطه شاید اهمیت عکس‌های جلی قابل تفهیم باشد. چند نکته در عکس‌های حمید جلی هست که تصاویرش را از اهمیت برخوردار می‌کند. نکته نخست آن جاست که حمید جلی به دنبال ثبت تصویر توریستی از این منطقه نبوده است و این نکته در تصاویرش مشهود است. از سویی بیشتر این تصاویر در فصل زمستان ثبت شده است. ما کمتر عکسی از ماسوله زمستانه دیده‌ایم و این به دلیل شرایطی بوده است که هنرمند مجبور بوده مدتی را در آن سپری کند. از سویی دیگر همین اخت گرفتن هنرمند با مردم آن جانمجر به آن شده، سوژه در برابر دوربین زست نداشته باشد. سوژه‌ها که در بیشتر اوقات همان مردمان این شهر هستند راحت ایستاده‌اند یا شاید در تشریح درست‌ترین که اصلاً متوجه حضور دوربین نیستند. برای همین خود واقعی‌شان را نشان داده‌اند. همین نکته عکس‌های جلی را اهمیت می‌بخشد.

در عکس‌های جلی مردم آن گونه که به شکل روزمره زندگی می‌کنند به ثبت رسیده‌اند. ماسی توانیم به شکل عمده تصاویر متعددی از فعالیت‌های متعدد مردم آن منطقه ببینیم بی‌آن که سوژه‌ها از نشان دادن این واقعیت امتناع کرده و بخواهند تصویری غیر از واقعیت زندگی‌شان بروز بدهند.

نکته دیگر توجه عکاس به معماری ویژه این شهر است که سعی شده با زوایای متنوع و البته متفاوت تری نسبت به بقیه تصاویر عرضه شود. او کمتر تصویر واید یا عرضی از روستای ماسوله به تصویر کشیده است. بیشتر عکس‌های او دارای کادرهای بسته است و مخاطب را به شکل دقیق‌تر و ویژه‌تری به تأمل در نماها و فضاهای شهر ماسوله دعوت می‌کند.

جلی در تصاویرش به روحیه‌ای مستندنگارانه در ثبت تصویر پایبند بوده است. او تلاشی برای زیبا جلوه دادن یا عجیب و غریب جلوه دادن تصاویر نکرده است اما کادرهایی را انتخاب کرده که تا حدود بسیاری ما را با نمانی متفاوتی از روستای ماسوله مواجه می‌کند. فارغ از شهرت این هنرمند این نمایشگاه به خودی خود از نمایشگاه‌های ویژه‌ای محسوب می‌شود که در این سال‌ها تحت عنوان نمایشگاه عکس مستند به نمایش درآمده است.

### عمومی کردن یک رنج شخصی

یکی دیگر از مجموعه عکس‌های